

قصه‌های کوچک برای بچه‌های کوچک

پیسته دهان بسته و ۱۰ قصه دیگر

نویسنده: شکوه قاسم‌نیا

تصویرگر: غلامعلی مکتبی

□ برای کودکان ۷ تا ۱۲ سال

□ این کتاب را می‌توان برای کودکان ۵ تا ۷ سال بلندخوانی کرد.



قرمزی

قرمزی کی بود؟ رنگ کفش پری کوچولو بود! پری کوچولو، قرمزی را دوست نداشت. همیشه می‌گفت: «کاش که کفش من، این رنگی نبود! کاش سیاه بود مثل کفش بابا، یا سفید بود مثل کفش مامان، یا یک رنگ دیگری بود مثل کفش همهٔ آدم بزرگها.» یک روز، وقتی پری کوچولو از مدرسه آمد، مثل همیشه کفشش را از پا درآورد و پرت کرد توی حیاط. کفش افتاد کنار باغچه. قرمزی شروع کرد به گریه کردن.

باغچه داشت با آفتاب بازی می‌کرد. آفتاب صدای گریهٔ قرمزی را شنید. گفت: «قرمزی، چرا گریه می‌کنی؟» قرمزی جواب داد: «آخه پری کوچولو من را دوست ندارد. من هم دیگر نمی‌خواهم روی کفشش بمانم.» آفتاب گفت: «حُب، این که گریه ندارد! دستت را به من بده و از روی کفش او بپر.»

قرمزی دستش را به آفتاب داد و از روی کفش پری کوچولو پرید. پرید و نشست روی گلی که توی باغچه بود. گل، قرمز و قرمزتر شد! پری کوچولو دنبال کفشش می‌گشت. آن را کنار باغچه پیدا کرد. خیلی تعجب کرد. چون که کفشش دیگر قرمز نبود. سیاه هم نبود. سفید هم نبود. اصلاً هیچ رنگی نبود. غمگین شد. کنار باغچه نشست. به کفش رنگ و رو رفته‌اش نگاه کرد و غصه خورد. کم‌کم چشمهایش از اشک خیس شد. آنها را بست تا اشکش نریزد.

وقتی که چشمهایش را باز کرد، نگاهش افتاد به گل سرخ توی باغچه. به روی گل دست کشید و گفت: «چقدر قشنگی! چقدر خوش‌رنگی! بگو ببینم،